

عنوان مقاله:

روحانیت، سیاستو دموکراسی

محل انتشار:

همایش ملی سی سال انقلاب اسلامی، دستاوردها، آسیبها و فرصتها (سال: 1387)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسنده:

عبد الوهاب فراتی

خلاصه مقاله:

بدون تردید، روحانیت در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تأسیس دولتی دینی در ایران، امکانهای جدیدی بر خود گشود و به ظرفیتهای، توانائیهها و مشکلات فرا روی خود، آگاهیهای مفیدی دست یافت. روحانیت پیش از آن، به تولید مفاهیمی در باب نظم سیاسی پرداخته بود که عمدتاً خصلت نظری، فردی، آرمانی، ثابت محوری، کلیگویی و اطلاقیذیری داشت، در حالیکه شرایط جدید از آنها واقعگرایی، جمعگرایی و توجه به جزئیات و نسبتها مطالبه میکرد. این مطالبات، آنان را در موقعیتویژهای قرار میداد که در هیچ یک از ادوار سابق بر آن، بدست نیامده بود. گرچه روحانیت، عصر مشروطه را تجربه و حتی به حمایت یا مخالفت با آن نظریهپردازی کرده بود اما مشارکت نیم بند او در پارلمان، هرگز نتوانسته بود به خواستههایش در عصر غیبت تحقق عینی بخشد. روحانیت که در آغاز، پرشورترین حامیان مشروطه به حساب میآمدند و بارها بر وجوب آن تأکید و مخالفت با آن را مخالفت با مام زمان (ع) بشمار میآوردند به تدریج بر سر مفاهیم و نحوه شکلگیری آن در مقابل هم ایستادند. با فروکش کردن تب و تاب مشروطه خواهی، بسیاری از روحانیون حتی به شنیدن نام مشروطه نیز رغبت نشان نمی دادند و حتی نائینی، نسخههای بجای مانده از تنبیه الامه را جمعآوری کرد و طباطبایی پی در پی تکرار میکرد که سرکه ریختیم شراب شد ۱ اما آنچه در فرجام این دلسردی اهمیت داشت آن بود که روحانیتتنها گروهی بود که بیشترین لطمات را متحمل شد.

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/60715>

